

ازمیان خبرها

نزاع مرگبار به خاطر پارک خودرو!

سجاد پور - درگیری بین خانواده های دو مغازه دار در مشهد، مرگ مردی میان سال را در حالی رقم زد که هنوز علت دقیق مرگ وی مشخص نیست. به گزارش خراسان، ماجرای این مرگ مشکوک بعد از ظهر روز پنج شنبه گذشته در خیابان آیت... کاشانی مشهد زمانی رقم خورد که فرزندی یکی از بنگاه داران محله، خودرواش را در کوچه پارک طوری پارک کرد که بخشی از پیاده رو نیز اشغال شد. در این اثنا، پسر جوان فست فود فروش نزد راننده رفت و از وی خواست تا خودرواش را در مکان دیگری پارک کند چرا که مدعی بود یک های موتوری نمی توانند برای سفارش های فست فود در آن مکان تردد کنند. بنابر این گزارش در حالی که هنوز گفت و گو میان دو جوان به پایان نرسیده بود ناگهان، پدر جوان راننده از بنگاه خارج شد و به پسرش گفت: حق ندارد خودرواش را تکان بدهد! در همین هنگام پدر جوان فست فود فروش نیز بیرون آمد و بدین ترتیب مشاجرہ سختی بین چهار نفر شروع شد. در این لحظه ناگهان هر کدام از آن ها به طرف مغازه هایشان رفتند و با دسته تی و جارو بیرون آمدند و به جان هم افتادند اما با تماس اهالی با فوریت های پلیس ۱۱۰، نیروهای انتظامی در محل حضور یافتند و عاملان این نزاع را به کلاتری هدایت کردند. هنوز مدت زیادی از این ماجرا نگذشته بود که پسر دیگر بنگاه دار و برادر فست فود فروش این درگیری را ادامه دادند و با یکدیگر به مشاجره پرداختند. با وجود این دقایقی بعد ر هگزان و کسبه محله آن ها را از هم جدا کردند و هر کدام به درون مغازه خودشان رفتند ولی چند دقیقه بعد پسر ۴۰ ساله بنگاه دار در حالی که وضعیت جسمی مناسبی نداشت از بنگاه بیرون آمد و به بیمارستان شهیدهاشمی نژاد انتقال یافت. این مرد که تحت مراقبت پزشکی قرار گرفته بود دقایقی بعد به دلیل نامعلومی جان سپرد و بدین ترتیب با اعلام مرگ این مرد میان سال به قاضی ویژه قتل عمد، یک پرونده جنایی دیگری روی میز قاضی کاظم میرزایی گشوده شد. بنابر این گزارش، با حضور قاضی شعبه ۲۱۱ دادرسای عمومی و انقلاب مشهد در محل حادثه و مرکز درمانی، تحقیقات گسترده ای در باره این ماجرا آغاز شد و جسد مرد میان سال نیز برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی انتقال یافت.

سجاد پور - تازه داماد ۲۰ ساله ای که به دنبال وقوع نزاع دسته جمعی، دستش به خون آلوده شده بود، در بازسازی صحنه جنایت، زوایای پنهان این ماجرای وحشتناک را در حضور قاضی ویژه قتل عمد فاش کرد. به گزارش اختصاصی خراسان، تازه دامادی که به اتهام قتل نوجوان ۱۶ ساله افغانستانی به چنگ قانون افتاده بود به همراه دیگر عاملان یک نزاع دسته جمعی منجر به قتل عمد، به انتهای خیابان حر ۱۹ واقع در شهرک شهید باهنر مشهد هدایت شد تا جزئیات این نزاع مرگبار را در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد تشریح کند.

در آغاز بازسازی صحنه قتل که سرهنگ بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) نیز حضور داشت، ابتدا کارآگاه وحید حمیدفر (افسر پرونده) به بیان خلاصه ای از محتویات این پرونده جنایی پرداخت و گفت: به دنبال مرگ نوجوانی به نام «محمد - ح» که هدف ضربات چاقو در یک نزاع دسته جمعی قرار گرفته بود، تلاش کارآگاهان اداره جنایی با صدور دستورات ویژه قضایی از سوی قاضی احمدی نژاد، برای شناسایی عاملان این نزاع مرگبار ادامه یافت و تعدادی از عوامل نزاع دستگیر شدند اما متهم ردیف اول که «سعید - ح» نام دارد به همراه یکی دیگر از شرکت کنندگان در نزاع منجر به قتل متواری بود که آن ها نیز حدود ۲۴ ساعت بعد با راهنمایی های مقام قضایی و همچنین تنگ شدن حلقه محاصره پلیس، خود را تسلیم قانون کردند. گزارش خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه قتل، سعید تازه داماد ۲۰ ساله با دستور قاضی علی اکبر احمدی نژاد، مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و پس از تفهیم اتهام از سوی مقام قضایی و با معرفی کامل خود گفت: به تازگی با دختری از اهالی محل و به طور غیر رسمی صیغه محرمیت خوانده بودیم و قرار بود روز شنبه (روز بعد از وقوع قتل) برای ثبت محضری این ازدواج اقدام کنیم اما زمانی که در یکی از مراکز مذهبی بودیم، باتری گوشی تلفن همراه برادر عروس کم شد و

او به دو تن از بستگانش مظنون بود که احتمالا آن ها باتری گوشی او را برداشته اند! تا این که صبح روز جمعه زمانی که من در منزل نامزدم بودم ناگهان در بیرون از حیاط سرو صدا شد و افرادی محکم به در منزل پدر زنم می کوبیدند! در این هنگام مهدی برادر زنم ندان هارفت! ولی این مشاجره طولی نکشید! من هم قصد داشتم به داخل کوچه بروم تا ببینم چه خبر است! اما مادر زنم مانع شد و مرا به درون اتاق کشید! من در واقع از اختلافات برادر زنم و دیگر بستگانش اطلاعی نداشتم به همین دلیل هم موضوع را جدی نگرفتم تا این که برادر زنم به داخل منزل بازگشت و مشغول نوشیدن چای شدیم. بعد از آن بود که من تصمیم گرفتم برای

فروش گوشی تلفن همراهم به جمعه بازار بروم چون مبلغی پول برای ثبت رسمی ازدواج و همچنین خرید لباس کم داشتم به همین دلیل با پسر عمویم تماس گرفتم و از او خواستم که با من به جمعه بازار بیاید. چند دقیقه بعد مهدی نیز با ما همراه شد و سه نفری به طرف جمعه بازار به راه افتادیم اما هنوز از حر ۱۹ خارج نشده بودیم که دوباره با یکی از همان افرادی که صبح در خانه را می کوبیدند رویه رو شدیم! او هم وقتی ما را دید با برادرش تماس گرفت و در یک زمان کوتاه برادر او به همراه محمد (جوان افغانستانی) از راه رسیدند و درگیری بین ما شروع شد. آن ها تیر و چاقو قمه داشتند که من هم چاقو را از کمرم بیرون



سابقه خبر

به گزارش خراسان، ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه ۱۸ بهمن گذشته نزاع وحشتناکی میان چند جوان در بولوار حر مشهد رخ داد. به دنبال این نزاع خونین که ادعای شد به دلیل کم شدن باتری یک دستگاه گوشی تلفن همراه به وقوع پیوسته است، سه نفر با ضربات مهلک قمه و چاقو مجروح شدند، اما در این میان ضربه ای که بر پیکر نوجوان ۱۶ ساله تبعه خارجی اصابت کرده بود، او را خون آلود نقش بر زمین کرد. در همین هنگام یکی از شرکت کنندگان در این نزاع دسته جمعی در خیابان حر ۱۹ (محل نزاع) با اوژانس تماس گرفت. دقایقی بعد پیکر نیمه جان «محمد - ح» به بیمارستان امام زمان (عج) انتقال یافت. اما تلاش کادر درمانی برای نجات وی بی فایده بود و این نوجوان ۱۶ ساله بر اثر عوارض ناشی از اصابت چاقو جان سپرد. گزارش ها حاکی است، در پی

کشیدم و دست برادر زنم نیز یک چاقوی کوچک بود. هنگام درگیری ناگهان ضربه ای به قفسه سینه محمد زد و از محل گریختم اما مهدی برادر زنم در محل ایستاد! بعد از این ماجرا هم وقتی دیدم هیچ راه فراری ندارم به توصیه مقام قضایی عمل کردم و تسلیم قانون شدم!

بنابر گزارش خراسان، «مهدی» متهم دیگر این پرونده جنایی در اعترافات خود گفت: روزی که باتری گوشی تلفن من کم شدن با دو متهم دیگر پرونده که احتمال می دادم آن ها باتری را برداشته باشند تماس گرفتم که مشاجرہ ای بین ما رخ داد و بعد از آن محسن و برادرش به در منزل ما آمدند و با قمه و چاقو به در حیاط کوبیدند ولی وقتی من بیرون رفتم با دخالت دیگران این مشاجرہ پایان یافت با وجود این باز هم همان روز دوباره با هم برخورد کردیم و این حادثه تلخ رخ داد که در این میان من در محل نزاع ایستادم و با اوژانس تماس گرفتم چرا که محمود دو تن دیگر از طرف های مقابل مجروح شده بودند!

گزارش خراسان حاکی است، در پی اعترافات صریح متهمان دیگر، قاضی احمدی نژاد دستور پایان بازسازی صحنه قتل را صادر کرد و بدین ترتیب پنج متهم این پرونده جنایی با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند تا دیگر مراحل دادرسی طی شود.

وقوع این حادثه هولناک، گروه بدهای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با دستورات قاضی ویژه قتل عمد، وارد عمل شدند و با راهنمایی های مقام قضایی به تحقیق میدانید پرداختند. بررسی های مقدماتی نشان می داد که جوان ۲۰ ساله ای به نام سعید قصد ازدواج با دختر ۱۸ ساله ای را داشت به همین دلیل مراسم جاری شدن صیغه عقد برگزار شد، اما در این میان ادعای در دیده شدن باتری گوشی تلفن همراه یکی از بستگان عروس، به مشاجرہ و نزاع کشید تا جایی که چند ساعت بعد از مراسم خطبه خوانی (عقد غیر رسمی) درگیری چند جوان در خیابان حر ۱۹ به چاقو کشی انجامید. در این درگیری وحشتناک، نوجوان ۱۶ ساله به قتل رسید و دو نفر دیگر نیز مجروح شدند.

در امتداد تاریکی

آلبوم سیاه!

با یک اشتباه بزرگ در دوران جوانی، نه تنها اعتماد و اطمینان پدر و مادر م که بزرگ ترین سرمایه زندگی ام بود را از دست دادم بلکه آینده و سرنوشت خودم را نیز با هوی و هوس های هیجانی که نام عشق بر آن گذاشته بودم تباہ کردم...

دختر ۲۰ ساله در حالی این جملات را بر زبان می راند که اعتقاد داشت به خاطر این رسوایی و آبروریزی دیگر هیچ گاه فرصت ازدواج نمی یابد و هر بار خواستگاراناش با دیدن تصاویر زننده ای که با پسری غریبه دارد از او متنفر می شوند. این دختر دانشجو که از شدت شرم نمی توانست به چشمان پدرش نگاه کند، درباره این ماجرای تلخ به کارشناس اجتماعی کلا تری سنا باد مشهد گفت: سال گذشته زمانی که در ترم اول رشته نرم افزار رایانه تحصیل می کردم یکی از همکلاسی هایم به بهانه گرفتن جزوه درسی به من نزدیک شد. او مدعی بود من با دقت و با خطریا موضوعات درسی را یادداشت می کنم. به همین دلیل با ظاهری موقر و خیلی مودبانه از من خواست تا جزوه درسی ام را برای گرفتن کپی در اختیارش بگذارم. من هم که از تعریف و تمجیدهای او لذت می برم جزوه ام را در اختیارش قرار دادم و بدین ترتیب روابط ما با یکدیگر در حالی آغاز شد که او شعر زیبا و عاشقانه ای را در بر که آخر جزوه ام نوشته بود.

از آن روز به بعد نه تنها سعی می کردیم در محیط دانشگاه یکدیگر را ملاقات کنیم بلکه روابط ما به فضا های مجازی نیز کشیده شد و همواره با هم چت می کردیم. در این میان روزی «فرزین» خواهرش را برای دیدار من به دانشگاه آورد که همین موضوع اعتماد مرا به او افزایش داد چرا که با خودم می اندیشیدم اگر او قصد ازدواج با مرا نداشت مرا به خواهرش نشان نمی داد. خلاصه روابط ما بیشتر می شد تا جایی که من به بهانه های مختلف مانند کلاس های فوق العاده درسی، پدر و مادر مرا فرب می دادم و به ملاقات فرزین می رفتم. او نیز که مدعی بود به خاطر وقار و متانت من عاشقم شده است در مکان های خلوت مختلف از من و خودش عکس های سلفی تهیه می کرد. ارتباط پنهانی من و فرزین به جایی رسید که او روزی مرا به منزل خواهرش که در مسافرت بودند دعوت کرد. من هم به خاطر علاقه و اعتمادی که به او داشتم به بهانه یک امتحان کلاسی از خانه خارج شدم و به نشانی منزل خواهر فرزین رفتم. آن جا هیچ کس نبود و کلید منزل در دست فرزین بود. چند ساعت کنار هم نشستیم و از آینده و رویا هایمان سخن گفتیم. من که دیگر او را نامزد خودم می دانستم خیلی راحت بودم و با گرفتن عکس در صحنه های زشت و زننده مخالفتی نمی کردم. خلاصه حدود هفت ماه به همین ترتیب سپری شد و من تازه فهمیدم که فرزین قصد ازدواج با مرا ندارد و هدف او از این ارتباط پنهانی رسیدن به خواسته های هوس آلودش بوده است اگر چه مقصر اصلی خودم بودم چرا که من هم بر این گناهان خودم آلود دوران جوانی نام «عشق» گذاشته بودم و خودم را این گونه توجیه می کردم به طوری که هیچ وقت به آبروی خانواده و آینده خودم فکر نکردم. هیچ گاه به ذهنم خطور نمی کرد که او اگر قصد ازدواج با مرا ندارد چرا به صورت آشکار به خواستگاری ام نمی آید و مرا پنهانی به خواهرش نشان می دهد...

بالاخره وقتی احساس سرد او را دریافتم من نیز دیگر به ملاقاتش نرفتم و این گونه روابط ما با یکدیگر قطع شد تا این که چند ماه بعد جوانی به نام «حمیدرضا» به خواستگاری ام آمد. او از شرایط مالی و تحصیلی مناسبی برخوردار بود و در خارج از کشور به تحصیلاتش ادامه می داد. ظاهری جذاب و رفتاری بسیار مودبانه داشت. خانواده اش نیز کاملاً با این ازدواج موافق بودند و قرار شد بعد از برگزاری مراسم عقد کنار من هم به خارج کشور بروم و در کنار همسر ادامه تحصیل بدهم.

با این توافق شاد و خندان به دنبال فراهم کردن مقدمات جشن عقد کنار رفتم و حتی کارت های دعوت به باغ تالار را هم در بین بستگان و آشنایان توزیع کردیم ولی دو شب قبل از آغاز مراسم خانواده داماد با اعلام انصراف از این ازدواج پاکتی را با پیک به محل کار پدرم فرستادند. وقتی پدرم آن پاکت را به خانه آورد دنیا روی سرم خراب شد. درون پاکت یک آلبوم کامل از عکس ها و تصاویری بود که من و فرزین را در کنار هم نشان می داد. فرزین با نوشتن یک نامه آن آلبوم سیاه را نیز برای خانواده خواستگارم فرستاده بود. من که با دیدن آن ها شوکه شده بودم از شدت شرم فقط گریه می کردم اما ای کاش...

شایان ذکر است به دستور سرگرد جواد بیگی (رئیس کلانتری سناباد مشهد) ماجرای تاسف بار این دختر دانشجو در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

گروه یاس

YASS GROUP

خنجر (برند ثبت شده)

یر (برند ثبت شده)

پیر (برند ثبت شده)

جشنواره فروش

اعتباری

اقساط ۳۶ ماهه بدون پیش پرداخت

۱۲ شعبه در مشهد / امور مشترکین گروه یاس : ۰۵۱-۳۸۴۴۴۰۰۰

شعبه مرکزی: بین سناباد ۴۵ و ۴۷، مجتمع لوازم خانگی یاس

شعبه معلم: بولوار معلم، بین معلم ۱۶ و ۱۸، مجتمع لوازم خانگی یاس



مرد اصفهانی طلاهای زنش را اسرقت کرد!

انجام یک سری کارهای تخصصی مشخص شد این سرقت توسط همسر شاکیه انجام شده است.

این مقام انتظامی بیان کرد: ماموران، همسر شاکیه را دستگیر کردند که در مواجهه با مستندات پلیس به بزه انتسابی اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان دهاقان تاکید کرد: نیروی انتظامی با هر گونه بی نظمی و اخلال در نظم عمومی جامعه برخورد قاطع و قانونی می کند و اجازه جولان به این گونه افراد نمی دهد.

مردی که در دهقان اصفهان طلاهای همسرش را به سرقت برده بود، لب به اعتراف گشود.

به گزارش رکن، سرهنگ اسماعیل پریشانی از دستگیری سارق که طلاهای همسرش را به سرقت برده بود، خبر داد. فرمانده انتظامی شهرستان دهاقان اظهار کرد: پیرو وقوع یک فقره سرقت طلا و جواهرات از منزل خانمی، تحقیقات عوامل پلیس آگاهی در خصوص کشف سرقت آغاز شد.

وی افزود: طی بررسی های انجام شده و

جامعه

شرکت ریسندگی، بافندگی و پوشاک جامعه به یک نفر سرپرست انتظامات با حداقل مدرک فوق دیپلم نیازمند است.

متقاضیان می توانند مشخصات خود را به آدرس Jamee_textile@gmail.com

ارسال نموده و جهت کسب اطلاعات با تلفن ۴ - ۳۲۶۰۵۱۰۰ داخلی ۲۳۳ تماس حاصل نمایند

خراج بزرگ پوشاک ۶۰ درصد تخفیف

از جمعه ۱۳۹۸/۱۲/۹ ساعت ۵ عصر

توس ۶۵ نیش نچد ۴ پوشاک هاچ واج

پلی کر بنات ۱۵ سال

پلیمر طلائی یزد

پشم شیشه - پشم سنگ

۰۵۱۱۱۶۱۱۵۸ - ۰۹۱۵۲۵۵۵۳۶۶۲۵۵۵

لوکس سازی دمخدا

لوکس تقدیر، آلبوم بله برون...

۰۵۱۱۱۶۱۱۵۸ - ۰۹۱۵۲۵۵۵۳۶۶۲۵۵۵

باتیمه فیش حج

به سرزمین وحی سفر کنید

خرید - فروش - تمتع - عمره

نیش معلم ۱۳ - پلاک ۱

۰۹۱۵۲۵۵۵۳۶۶۲۵۵۵ - ۰۵۱۱۱۶۱۱۵۸

اگهی مناقصه عمومی

شماره مناقصه ۲/۹/۲۳ شهرداری منطقه ۲

(۷۰٪ نقد - ۳۰٪ غیر نقد)

موضوع: احداث فضای سبز میدان مصالح فروشان

مبلغ برآورد اولیه: ۲۹۱/۵۶/۲۸۴/۷۸۲ ریال

جهت شرکت در مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس <http://cts.mashhad.ir> مراجعه نمایند و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rk.ir درج می گردد.

امور قراردادهای و پیمان های شهرداری منطقه ۲